

# راه‌های ورود روزنامه قانون به ایران

شیرین احمدی\*

روزنامه قانون به زبان فارسی به مدیریت میرزا ملکم خان در شهر لندن چاپ شده است این روزنامه در سال ۱۳۰۷ هـ. ق. تأسیس و تا چند سال در لندن ماهی یک شماره از آن به چاپ می‌رسید. در همان شماره اول صحبت از مجلس شورای ملی و محدود کردن اختیارات شاه و عمال او بود به همین جهت ناصرالدین شاه ورود این روزنامه را به ایران قذغن کرد. اما آزادی‌خواهان و کسانی که از دست دربار استبداد دلی پر خون داشتند این روزنامه را هر طور بود تهیه می‌کردند و در مجامع مخفی برای دوستان و هم مسلکان خود می‌خواندند.

روزنامه قانون در آغاز به صورت یک نشریه ماهانه چاپ می‌شد و به نظر می‌رسید که این نحوه چاپ تا بهار ۱۸۹۲م. زمانی که نهضت مقاومت علیه امتیاز رسوای تنباکو که ناصرالدین شاه واگذار کرده بود و سرانجام به پیروزی انجامید ادامه داشته است. اما پس از این تاریخ روزنامه مذکور به طور چشمگیر چاپ منظم خود را از دست داد تا جایی که

\* فوق‌لیسانس تاریخ

در برخی موارد حتی دو یا سه ماه میان چاپ شماره‌های آن فاصله افتاده بود که واپسین آن تاریخ اول ذی‌الحجه ۱۳۰۷ برابر با ۱۸ ژوئیه ۱۸۹۰م را داشت. ملکم خان بدون شک به بی‌مورد بودن تاریخ‌گذاری برای شماره‌های قانون پی‌برده بود زیرا همان‌گونه که فرد یا دولتی که مورد حمله قرار داشت در مقام خود باقی بود در هر شماره به مناسبتی و به نحو تازه‌ای آماج حمله و نکوهش قرار می‌گرفت و از همین‌جا تقاضاهای مکرر برای شماره‌های گذشته که منجر به تجدید چاپ شماره‌های نخستین آن گردید قابل درک می‌شود علاوه بر این سانسور نیز باعث می‌شد که توزیع آن از راه غیر مستقیم صورت بگیرد و گاه ماه‌ها به طول می‌انجامید. تا شماره تازه به دست خوانندگان برسد.<sup>۱</sup> ملکم از این موضوع آگاه بود و با زیرکی معمول خود این وضع را ارزش به شمار می‌آورد: «عقلای تهران به اعتقاد خود می‌خواهند اسم قانون و لفظ آدمیت را از ایران بردارند. هنوز به این خیال هستند که قانون یک روزنامه‌ای است که اگر با پست نرسد اخبار آن کهنه و بی‌مصرف می‌شود. هنوز نفهمیده‌اند که قانون خواه با پست برسد خواه با چاروادار خواه امروز خواه سال آینده مطلب آن همه وقت تازه است.»<sup>۲</sup> روزنامه از لندن جایی که شهرت داشت ملکم خان در آن اقامت دارد چاپ می‌شد و بدین جهت به طور غیر قابل اجتناب این گمان پیش می‌آمد که با آن به نحوی تماس دارد. از این رو مناسب دانست که در شماره دهم قانون اعلام کند که اداره روزنامه در لندن تعطیل شده و از آن پس مخبریان باید با نمایندگان «قانون» در بغداد، بمبئی و عشق‌آباد مکاتبه نمایند. اما به راستی روزنامه به چاپ خود در لندن ادامه داد و به نظر نمی‌رسد که در شهرهای مذکور نماینده داشته است.<sup>۳</sup>

با وجود ضد و نقیض گوئی‌ها و ناپایداری در بحث، نوشته‌های ملکم نقش بسیار مؤثری در گسترش اندیشه‌های نوخواهی در ایران بازی کرد. شماره‌هایی از روزنامه قانون او را به صورت قاچاق وارد ایران کرده دست به دست میان بسیاری از خوانندگان فارسی زبان می‌گردانیدند و برخی از مقاله‌هایش درباره نوخواهی و نظام حکومتی نو و غیره در دوران انقلاب مشروطیت به طور پراکنده یا به صورت مجموعه چاپ و سبب آگاهی بیشتر افرادی شد که درگیر انقلاب مشروطه بودند.<sup>۴</sup>

دولت برای مقابله با قانون و نویسنده‌اش به تدابیر مختلفی دست زد. از جمله این

اقدامات این‌که در روزنامه‌های ایران مقالات تندی علیه ملکم نوشتند که به تعبیر امین الدوله «باعث لعن و توبیخ اهالی نسبت به خودشان» گردید دیگر این‌که «اوراق قانون را مصمم هستیم به دست آورده ضبط کنیم و نگذاریم به دست هیچ‌کس برسد تا آن درجه که کاغذهای مردم را هم برای تفحص این روزنامه بگیریم و باز کنیم. دیگر چه می‌فرمائید؟» به علاوه «از روزنامه‌های خارج هم چه رومی چه آلمانی چه اطریشی چه فرانسه چه سایر - تملقات خواهیم کرد که یک کلمه بر ضد ما نویسند». هم‌چنین «مأمورین کهنه فرهنگی مآب خودمان را هم تغییر می‌دهیم. که معتقد به خیالات بلند نباشند». مقصود از آن مأمورین میرزا محسن خان معین‌الملک بود که روزنامه قانون را او برای امین‌الدوله فرستاد و حالا هم به «تهمت هم خیالی با ملکم» از سفارت اسلامبول عزل شده بود.<sup>۵</sup>

در آن احوال دو نفر از دوستان صمیمی ملکم خان یعنی میرزا یوسف خان مستشار الدوله و میرزا محمدعلی خان فریدالملک را گرفتند و چند تن از کسانی که در توزیع قانون و یا کاغذ پرانی علیه دولت دخالت داشتند توقیف کرده و همه را دسته‌جمعی روانه زندان قزوین ساختند. سپس یک گروه دوازده نفری را هم به اتهام پخش قانون و اعلامیه نویسی علیه دولت دستگیر نمودند. از آن جمله: حاج سیاح محلاتی، میرزا نصرالله خان منشی سفارت اتریش، سیدحسین مترجم دولتی، میرزا عبدالله حکیم قائنی، سید ولی کاتب، میرزا رضا کرمانی.<sup>۶</sup>

حاج سیاح مرد جهان‌دیده و بیدار دلی بود که با میرزا آقاخان کرمانی دوستی داشت به گفته خودش «چندین نسخه از روزنامه قانون هم از اروپا در جوف روزنامه‌جات خارجی برای من می‌رسید که آن‌ها را توسط اشخاص مطمئن منتشر می‌کردم»<sup>۷</sup> روزنامه قانون به رغم مراقبت شدید حکومت به دست خوانندگانش می‌رسید» برای عده‌ای مستقیم و با نشانی خود آن‌ها ارسال می‌شد و برای پیروان ملکم و افراد فراموش‌خانه محرمانه و با واسطه افراد مورد اطمینان فرستاده و در شهر توزیع می‌گردید.<sup>۸</sup> قانون در خاک عثمانی نیز پخش می‌شد. میرزا محمدظاهر مدیر روزنامه اختر به ملکم خان نوشت: «هرگاه توزیع قانون را در اسلامبول به این جانب واگذار نمایند ظاهراً بهتر است. آن وقت نه توی پاکت گذاشتن لازم است نه غیره به طوری عادی بسته به نام حقیر نوشته به پست دهند، به

دست غیر نمی‌رسد به قرار قاعده‌ای که داریم، در پست خانه، انگلیسی‌ها نگره می‌دارند تا آدم خود حقیر رفته بیاورد»<sup>۹</sup> ناصرالدین شاه و امین السلطان (صدراعظم) از چاپ قانون و بخش شدنش در ایران به خشم آمدند و بر شدت مراقبت افزودند تا از ورود آن جلوگیری شود اما به گفته امین‌الدوله: «شهرت روزنامه قانون را منع دولتی بیشتر کرد و حرص مردم به دیدن و داشتن آن از امتناع دیوانیان بیشتر شد با این‌که امین‌الدوله با حکم شاه در پست‌خانه‌های ایران و اوراق قانون و کاغذهایی را که به تضمن این روزنامه، مظنون بود ضبط و توقیف می‌کرد، باز چه از ممالک عثمانی چه از نواحی قفقاز چه از سمت عراق به دست‌تجار و مسافری آن‌قدر که جمعی به مطالعه روزنامه تسکین اشتیاق کنند به اطراف ایران داخل می‌شد».<sup>۱۰</sup>

اعتماد السلطنه در خاطرات روز ۲۳ رجب ۱۳۰۸ هـ. ق که یک سال از انتشار قانون می‌گذشته چنین می‌نویسد: «... مجدداً با دست‌اشاره فرمودند جلو رفتن از جیب مبارک روزنامه نمره هفتم قانون که از لندن برای من آورده بودند - دیروز من جهت شاه فرستاده بودم - بیرون آوردند اول از من سؤال فرمودند که این روزنامه به چه واسطه به تو رسیده عرض کردم اوانس خان مترجم به توسط برادر خود برای من فرستاده قدری معاندین امین‌الدوله فرصت به‌دست آوردند به او تاخت بردند که برای او ممکن است که نگذارد پست این روزنامه را بیاورد. من عرض کردم پست و جهاً من الوجوه مسئول این فقره نیست دولت روس با آن همه قوت و قدرت و نظمی که دارد نمی‌تواند مانع شود که روزنامه نهلیس (نیهلیست) را به روسیه وارد نکند جز قوام‌الدوله احدی با من همراهی نکردند بلکه تاخت و تاز غریبی به امین‌الدوله می‌کردند...».<sup>۱۱</sup> روزنامه قانون در تهران چون ورق زر دست به دست می‌شد. امین‌السلطان در سفرهای فرنگستان شنیده بود که از نوشتن انتقادات روزنامه نباید ترسید بلکه آن را بایستی دلیل اهمیت و نفوذ دانست برعکس شاه فحش‌های ملکم را مستقیماً به خودش می‌دانست.<sup>۱۲</sup> ابهام وضع امین‌الدوله از نامه‌ای که در ۶ ذی‌الحجه ۱۳۰۷ هـ. ق به ملکم نوشته است به چشم می‌خورد که در آن جریان مذاکرات خود را با شاه نقل می‌نماید. مشکلات وی ناشی از تضاد میان مسئولیت‌های عمومی و دوستی‌های خصوصی نبود بلکه از این واقعیت سرچشمه می‌گرفت که وی وزارت پست را برعهده داشت و بدین جهت مسئول جلوگیری از ورود روزنامه قانون

به ایران بود. پس از رسیدن دستور مبنی بر این که اطمینان دهد که هیچ نسخه‌ای از قانون از راه پست به ایران نخواهد رسید امین‌الدوله قول داد که به تمام پست‌های مرزی دستور خواهد داد که همه روزنامه‌های رسیده را برای او بفرستند و روزنامه‌هایی نیز که به نشانی اشخاص فرستاده شده با اجازه مخصوص وارد شود اما نمی‌توان ورود قانون را از راه‌های غیرمجاز و در جوف نامه‌های معمولی ضمانت نماید و اظهار عقیده کرد که تنها وسیله مؤثر بی‌اثر ساختن قانون، اسکات نویسنده آن می‌باشد.<sup>۱۳</sup>

وزیر مختار فرانسه در ایران از این نابه‌سامانی‌ها در گزارش‌های خود یاد می‌کند به گفته او دولت هر رویداد نامساعد را ناشی از روزنامه اختر و یا قانون می‌داند از این رو دستور یورش به پست‌خانه را داده است تا نام کسانی را که این روزنامه‌ها به نشانی آن‌ها فرستاده می‌شود به دست آورند و از این طریق بود که در عرض ۳ روز ۳۰ نفر را دستگیر کردند و افراد بسیار دیگری در معرض خطر قرار دادند.<sup>۱۴</sup>

مطبوعات خارج از کشور این دوره چندین ویژگی عمومی داشتند نخست این که مندرجات آن بیشتر جنبه اجتماعی، سیاسی و تفسیری داشت و بیشتر به اخبار دولتی، داخلی و خارجی می‌پرداختند دوم این که نویسندگان هم آزادی‌خواه، مشروطه‌طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی در ایران بودند در مرحله سوم هم روزنامه‌های این دوره و هم نویسندگان آنها بی‌نهایت تحت تأثیر سیستم اجتماعی و سیاسی اروپا قرار داشتند و نمونه اداری، حکومتی و مملکتی کشورهای اروپایی به ویژه انگلستان، فرانسه و سوئیس را برای ایران تشویق می‌کردند. ■

منابع:

- ۱- الگار، حامد، میرزا ملکم خان، ترجمه مرتضی عظیمی، انتشارات مدرس تهران ۱۳۶۹ ص ۲۰۱-۲۰۰
- ۲- قانون، شماره ۲۶، ص ۱
- ۳- الگار، حامد، پیشین، ص ۲۰۳
- ۴- عبدالرحیم، ذاکر حسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۷
- ۵- الگار، حامد، میرزا ملکم خان، ص ۲۱۶
- ۶- همان، ص ۲۱۷
- ۷- سیاح، محمدعلی، خاطرات حاج سیاح، چاپ حمید سیاح، تهران، ۱۳۴۶، ص ۳۳۹
- ۸- رایین، اسماعیل، میرزا ملکم خان، زندگی و کوشش‌های سیاسی او، تهران ۱۳۵۳، ص ۱۱۳
- ۹- اصیل، حجت الله، زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، نشر دی، تهران ۱۳۷۶، ص ۴۴-۴۵
- ۱۰- خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمان فرمایان، زیر نظر ایرج افشار، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۳۸-۱۴۰
- ۱۱- روزنامه خاطرات اعتماد والسلطنه با مقدمه ایرج افشار، امیرکبیر تهران، ۱۳۴۳، ص ۸۴۲-۸۴۳
- ۱۲- رایین اسماعیل، میرزا ملکم خان، زندگی و کوشش‌های سیاسی او، ص ۱۱۴
- ۱۳- الگار حامد، میرزا ملکم خان، ص ۲۰۹
- ۱۴- میرزا ملکم خان، روزنامه قانون، به کوشش هما ناطق، امیرکبیر تهران، ۱۳۵۵، ص ۹